

گردشگری روستایی: الزامات و محدودیتها با اشاره به نواحی جواهرده (مازندران) و سروآباد (کردستان)

دکتر عباس سعیدی^۱، محمد محمودی^۲، پروین خدادادی^۳

چکیده

گردشگری را به طور کلی می توان سفر بیرون از خانه و محل کار، انجام فعالیت های مرتبط در مقصد و تسهیلات موجود برای پذیرایی و پاسخگویی به نیازهای گردشگر تعریف کرد. به سخن دیگر، گردشگری را می توان به مثابه نظامی در نظر گرفت که دارای عناصر مختلفی است: محل مبدا (عناصر تقاضا)، محل مقصد (عناصر جاذبه)، همراه با عنصر سفر بین این دو محل و همچنین عنصر نتیجه (پیامدها). بدین ترتیب، از یک سو بایستی برای عنصر جاذبه در محل مبدأ تقاضای کافی وجود داشته باشد و از سوی دیگر، ضمن برآورده شدن تقاضا و نیازهای گردشگر در محل مقصد، پیامدهای این فعالیت به درستی مورد ارزیابی قرار گیرد. این مقاله کوشش دارد، این عناصر را به صورت تطبیقی در دو ناحیه متفاوت مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژگان: گردشگری روستایی؛ خانه های دوم؛ تجاری شدن اراضی روستایی؛ گردشگری محیطی؛ تثبیت جمعیت روستایی.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، و عضو هسته معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

مقدمه و طرح مسأله

آشکار است که یکی از مهمترین کارکردهای بنیادین انسانی، استراحت کردن و گذران اوقات فراغت و در این چارچوب، گردشگری است. این فعالیت^۱ گرچه پیوسته به شکل‌های گوناگون در جوامع انسانی مطرح بوده است، اما در دهه‌های اخیر شکل ویژه و گسترده‌ای به خود گرفته و به صورت یکی از فعالیتهای اصلی اجتماعی - اقتصادی در آمده است. از این رو، بخش‌های دولتی و خصوصی کشورها کوشش داشته‌اند تا با بهره‌گیری از امکانات مختلف گردشگری و فراهم آوردن زیرساختهای ضروری، به رونق این فعالیت دامن زده و از این طریق به کسب درآمد پردازند.

بررسی ابعاد مختلف این فعالیت و پیامدهای گوناگون آن از مقولات مورد توجه پژوهشگران، بویژه جغرافیدانان، اقتصاددانان، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. البته، با وجودی که ویلیامز (۲۰۰۹) گردشگری را اصولاً پدیده‌ای جغرافیایی برمی‌شمارد (Williams, 2009:3)، بررسی درباره ماهیت و اهمیت مکانی - فضایی گردشگری در دانش جغرافیا از قدمت چندانی برخوردار نیست؛ به سخن دیگر، واریسی گردشگری، مکان، فضا، رفتار گردشگران و کنش مکانی - فضایی و تعامل محیطی آنان در عرصه‌های مختلف بیشتر به دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد باز می‌گردد (Hall and Page, 2006:41). با این وجود، آنچه در همین ارتباط به انجام رسیده است، بیشتر مبتنی بر مطالعات موردی بوده و کمتر به اندیشه‌ورزی و دستیابی به قانونمندیهای عام علمی نظر داشته است (Ritchie, et al. 2005:37ff).

گردشگری به طور کلی، تا حد زیادی بر منابع طبیعی استوار است. گوسلینگ و هال (۲۰۰۶) در این باره می‌نویسند: «تأمین آب آشامیدنی و آب سالم برای مقاصد بهداشتی و شنا و نیز آبیاری محوطه‌های سبز مهمانسراها از اساسی‌ترین پیش‌شرطهای گردشگری در سرتاسر جهان است. سواحل دریاها، کوهسارها، جنگلها، دریاچه‌ها و مناظر دیدنی و چشم‌اندازهای حاوی این عناصر از عوامل بالقوه جذب گردشگران به‌شمار می‌روند. به‌همین ترتیب، تنوع زیستی، شامل انواع پرندگان، ماهیها و انواع جانوران بزرگ و کوچک موجود در پارکهای ملی، پیوسته از این گونه

۱. فعالیت گردشگری (tourism industry) در زبان فارسی معمولاً صنعت گردشگری خوانده می‌شود؛ با توجه به معنای industry در زبان انگلیسی (به معنای عام فعالیت) و مفهوم واژه صنعت در زبان رایج فارسی، این ترجمه البته نادرست است، هرچند کثرت استفاده از این ترکیب نادرست، آن را به صورت غلط مشهور درآورده است.

جاذبه‌ها به حساب می‌آیند. پوشش برف نواحی کوهستانی شرط لازم برای انواع ورزشهای زمستانی است. بدینسان، آشکار می‌شود که فعالیت گردشگری تا حد زیادی وابسته به شرایط پایدار و مناسب محیطی است» (Gössling and Hall, 2006:1). افزون بر این، بستر تاریخی، ویژگیهای اقتصادی و خصوصیات فرهنگی - اجتماعی سرزمینها و کانونهای مقصد گردشگری از دیگر ملاحظات است که در زمینه‌سازی برای گسترش یا محدودیت گردشگری اثرگذار است (Arlt, 2006, 82ff).

جنبه مثبت ساختار گردشگری این است که این فعالیت یکی از کاربرترین فعالیتها به شمار می‌رود، از این رو، این قابلیت را دارد که در اشتغالزایی و توسعه اقتصادی در نواحی روستایی و در عمل، اغلب از آن به عنوان محور اصلی راهبردهای توسعه روستایی یاد می‌شود. تعاریف گوناگونی از گردشگری شده است. به طور کلی، گردشگری شامل سه عنصر اصلی است:

- سفر خارج از خانه و محل کار،
- فعالیتهایی که در حین اقامت در محل مقصد به انجام می‌رسد؛ و
- امکانات محل مقصد برای رفع نیازهای گردشگر (Mathieson and Wall, 1982: 1).

از سوی دیگر، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه امکانات بالقوه گردشگری، از جمله جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی، طبیعی - محیطی و ورزشی - تفریحی به فراوانی یافت می‌شود، اما کمبود امکانات و نبود زیرساختهای مناسب، پیوسته مانع از رونق جدی این فعالیت بوده است. در همین راستا، گردشگری روستایی در ایران اغلب به عنوان فعالیتی خودبه‌خودی به انجام می‌رسد، از این رو، مطالعات انجام یافته در این زمینه گویای مسائلی است که از بی‌برنامگی این فعالیت در محیطهای روستایی خبر می‌دهد. علیقلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۶) در کنار پیامدهای مثبت گردشگری روستایی، از افزایش قیمت زمین و کالاهای مصرفی و دست‌اندازی به منابع طبیعی در سطح روستا یاد می‌کنند. در همین راستا، افتخاری و مهدوی (۱۳۸۵) ضمن برشمردن نقاط قوت گردشگری در ناحیه لواسان، از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی و آثار تخریبی آن را مهمترین تهدید خارجی و عدم تناسب تسهیلات و تجهیزات اقامتی و رفاهی را نقطه ضعف داخلی در راستای گسترش گردشگری بر می‌شمارند. به همین ترتیب، رضوانی (۱۳۸۶) در بررسی دگرگونیهای کارکردی ناحیه رودبار قصران (شمال تهران) به گسترش بدون برنامه فعالیتهای گردشگری، سکونتی و صنعتی به ضرر فعالیتهای سنتی ناحیه، از جمله کشاورزی و

دامداری، اشاره می‌کند.

بدینسان، بسیاری از فعالیتها و ساخت و سازهای مرتبط با گردشگری نه تنها با چهره طبیعی محیط و فضای روستایی نامتناسب است، بلکه اغلب با شکل متفاوت و شهرگونه بناهایی همراه می‌شود که در منظر عمومی فضا و چشم‌انداز روستایی به وجهی غریب و ناسازگار جلوه می‌کند، چنانکه در جواهرده و بعضی روستاهای پیرامونی با آن روبرو هستیم. در این مقاله کوشش شده است تا بر مبنای مطالعه تطبیقی دو ناحیه جواهرده (مازندران) و سروآباد (کردستان) به بررسی کم و کیف فعالیت گردشگری در این دو ناحیه می‌پردازد که در یکی شاهد رونق فعالیت به صورت خانه‌های دوم و در دیگری به علل مکانی- فضایی، شاهد عدم استفاده درست و کافی از امکانات و جاذبه‌های طبیعی موجود هستیم.

ویژگی‌های محیطی و اجتماعی - اقتصادی محدوده‌های مورد بررسی

هر دو ناحیه مورد بررسی از نواحی کوهستانی کشور به‌شمار می‌روند که یکی در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز و دیگری در دامنه‌های غربی زاگرس قرار دارند. ناحیه روستایی جواهرده با حدود ۲۲۵۰ متر ارتفاع میانگین، در آخرین قسمت دهستان سخت‌سر، بخش مرکزی شهرستان رامسر (استان مازندران)، واقع است. این مجموعه به عنوان جزئی از محدوده بیلاقی رامسر^۱، در عرصه‌ای گسترده، از سه جهت در محاصره کوهسارها و به شکل دره‌ای کم عمق قرار گرفته است. جمعیت مجموعه روستایی جواهرده طبق سرشماری ۱۳۸۵ برابر ۲۲۶ نفر در قالب ۹۶ خانوار است؛ هرچند این میزان در فصل تابستان به مراتب بیشتر است. البته، از لحاظ تاریخی و پیش از ورود چای و مرکبات، جابه‌جایی‌های جمعیتی به‌کندی و بیشتر از مناطق بیلاقی به سوی قشلاق و در جستجوی علوفه برای دامها انجام می‌گرفت. پس از رواج گرفتن کشت چای و تشویق مالکان و برخی مسئولان، جمعیت عرصه‌های بیلاقی عمدتاً به دشتهای ساحلی که برای کشاورزی مناسبتر بودند، کوچ کردند (خدادادی، ۱۳۹۱).

در مقابل، ناحیه سروآباد، به مرکزیت شهر سروآباد، در جنوب غربی استان کردستان قرار دارد

۱. فاصله این مجموعه روستایی تا شهر رامسر حدود ۲۴ کیلومتر، اما اختلاف گرمای آن با شهر حدود ۱۰ تا ۱۲ درجه سانتیگراد است.

که از شمال به شهرستان مریوان، از شمال غرب به کشور عراق، از غرب و جنوب به استان کرمانشاه، از جنوب شرق به شهرستان کامیاران و از شرق به شهرستان سنندج محدود می‌شود. از آنجا که سروآباد ناحیه‌ای کوهستانی است، اراضی دشتی آن بسیار کم‌وسعت هستند و بیشتر آنها، نظیر دشت سروآباد و بهرام آباد، به صورت کاسه‌هایی در بین کوه‌های پیرامونی و یا در حاشیه رودخانه‌ها تشکیل شده‌اند. میانگین ارتفاع ناحیه حدود ۱۷۰۰ متر و مهم‌ترین مرتفعات آن عبارتند از کوه کوسالان (۲۶۳۰ متر) به موازات کوه شاهو و دالانی، کوه خرگوشان (۲۶۵۲ متر) در ۵ کیلومتری شمال شرقی شهر سروآباد، کوه پیازه (۲۹۶۰ متر) در ۷ کیلومتری شمال شهر سروآباد، کوه کمانجر (۲۳۶۵ متر) که خط الراس آن حدود مرزی شهرستان با کشور عراق به‌شمار می‌رود، کوه تخت (۲۸۴۲ متر) در ۶ کیلومتری غرب روستای اورامان قرار دارد، کوه عبدالان (۲۶۴۵ متر) در غرب شهر سروآباد و کوه دربند (۲۶۷۳ متر). متوسط بارش سالانه سروآباد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیمتر است و به سبب مساعدت نسبی اقلیمی، حدود ۲۵.۶ درصد (۹۵۵۷۴ هکتار). محدوده این ناحیه (شهرستان) ۱ نقطه شهری و ۷۷ روستا را در خود جای داده است. جمعیت ناحیه ۵۴۸۳۲ نفر (۱۳۸۵) است که از این تعداد ۴۴۱۵ نفر (۸.۰۵٪) در نقاط شهری و ۵۰۴۱۷ نفر (۹۱.۹۵٪) در نقاط روستایی ناحیه زندگی می‌کنند.

الزامات و محدودیت‌های گردشگری روستایی

گردشگری روستایی که از شاخه‌های مهم گردشگری نوین و گذران اوقات فراغت به شمار می‌رود و از دیرباز مورد توجه بوده است، بویژه در کشورهای در حال توسعه، با نارسائیهای زیرساختی روبرو است. نکته بنیادین در بهره‌گیری از امکانات بالقوه گردشگری روستایی منوط به فرهنگ‌سازی، هم در بین گردشگران و هم در جوامع هدف، و همچنین سرمایه‌گذاری و تامین امکانات و زیرساختها از سوی بخشهای دولتی و خصوصی است (Curry, 1997:47-48). سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ طی سندی منتشر شده در ۱۹۹۴، الزامات گردشگری روستایی را این چنین برمی‌شمارد:

۱. این گونه گردشگری بایستی در نواحی روستایی مستقر یابد؛

1. Organization for Economic Cooperation and Development

۲. از لحاظ کارکردی، روستایی است، یعنی بنا شده بر مبنای پدیده‌های خاص عرصه روستایی برپا می‌شود؛ تاسیسات آن کوچک‌مقیاس، در فضای باز و در ارتباط با طبیعت و عرصه طبیعی، جامعه سنتی برجای مانده از گذشته و فعالیت‌های سنتی شکل می‌گیرد؛
۳. این فعالیت - هم از لحاظ بناها و هم اقامتگاهها- در مقیاس روستایی به انجام می‌رسد و بنابراین، کوچک‌مقیاس است؛
۴. از لحاظ ماهیت، سنتی است و به‌صورتی آرام، همساز و هم‌پیوند با خانوارهای محلی رشد می‌یابد و عمدتاً با نظارت جامعه محلی و در راستای تناسب با آینده درازمدت محل به انجام می‌رسد؛
۵. گردشگری روستایی فعالیت پایدار است، یعنی توسعه آن بایستی پشتیبان حفاظت از ماهیت روستایی ناحیه باشد؛ به این مفهوم که در بهره‌برداری از منابع، با پایداری همراه باشد. در همین راستا، گردشگری روستایی بایستی به عنوان فعالیت کارآمد برای حفاظت و پایداری دیده شود و نه ابزاری برای شهرگرایی و تبدیل روستاها به شهر؛ بالاخره،
۶. گردشگری روستایی به هر شکلی که به‌انجام رسد، بایستی نمایانگر الگوی چندبُعدی و پیچیده محیطی، اقتصادی و تاریخی روستا باشد (George, et al, 2009:10-11; OECD, 1994:14).

وضعیت گردشگری در محدوده‌های مورد بررسی

در هر دو ناحیه مورد مطالعه روستاهایی وجود دارند که به سبب اثربخشی عوامل مختلف مورد توجه گردشگران مختلف هستند؛ روستای اورامان تخت^۱ در سروآباد و روستای جواهرده در رامسر از نمونه‌های بارز این گونه روستاها هستند. در حالی که اورامان تخت با سابقه‌ای تاریخی - فرهنگی، از جهات مختلف سکونتگاهی، از جمله شکل و بافت باارزش، می‌تواند بسیار قابل توجه باشد، در مقایسه با جواهرده - به عنوان ناحیه سنتی بیلاقی برای دامداران - پیوسته از اقبال به مراتب کمتر گردشگران برخوردار بوده است.

افزون بر این، نوع گردشگری روستایی در روستای جواهرده بیشتر به شکل‌گیری خانه‌های دوم

۱. اورامان تخت، همانند بسیاری از روستاهای بزرگ کشور، در سالهای اخیر از نظر اداری - سیاسی شهر شناخته شده است.

تجلی یافته است، یعنی عمدتاً پذیرای شهرنشینانی است که به سبب هوای مساعد محدوده در تابستان و نیز امکانات و خدمات نسبتاً مناسب، ماههای تابستان را در آنجا سپری می‌کنند. این موضوع موجب شده است تا جمعیت تابستان و زمستان این عرصه روستایی با تفاوت بارز همراه باشد. مطالعه خدادای (۱۳۹۰) نشان می‌دهد، محل تولد اغلب سرپرستان خانوارهای ساکن در مجموعه روستایی جواهرده، کانونهای شهری است؛ یعنی ۷۱/۵ درصد آنان در رامسر، ۸/۲ درصد در چابکسر و ۲/۳ درصد در رودسر به دنیا آمده‌اند. افزون بر این، ۳/۵ درصد از جمعیت متولد شهرهای دیگر، از جمله تهران، قم، تبریز، یزد و حتی دویی هستند. در همین راستا، محل اصلی زندگی این خانوارها اغلب دیگر شهرهای کشور، از جمله رامسر، تهران، چابکسر، تنکابن، آمل، کرج و قم است. سرپرستان این خانوارهای شهری را به لحاظ اشتغال، به ترتیب، دارندگان مشاغل آزاد (۳۸/۴ درصد، از جمله مغازه داری، فعالیت در بازار (بازاری) و معاملات ملکی...)، بازنشستگان (۲۲/۱ درصد)، فعالان بخش کشاورزی (۲۰/۹ درصد)، کارمندان دولت (۱۰/۴ درصد) و سایر فعالیتها تشکیل می‌دهند.

بدین ترتیب، اکثر جمعیت مجموعه روستایی جواهرده را شهرنشینانی تشکیل می‌دهد که بیشتر در ماههای تابستان به این محدوده سفر می‌کنند و کار و فعالیت خود و تحصیل فرزندانشان در کانونهای شهری سرانجام می‌گیرد. در همین ارتباط، مدت اقامت ۶۳ درصد از این خانوارها اغلب ماههای تابستان است و خانوارهایی که از ماههای بهار تا ماههای پایانی تابستان در این محدوده زندگی می‌کنند، حدود ۲۸ درصد از کل خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد. این خانوارها را در واقع می‌توان خوش‌نشینان جدید نامید. بدینسان، تنها ۱۴/۵ درصد از ساکنان مجموعه روستایی جواهرده را خانوارهای بومی تشکیل می‌دهد. خانوارهای بومی که شغل اصلی آنان کشاورزی و دامداری است، از جمله به سرایداری خانه‌های دوم شهرنشینان می‌پردازند.

این در حالی است که روستاهای ناحیه سروآباد، با وجود برخورداری از قابلیت‌های بالفعل محیطی و امکانات بالقوه گردشگری، در سالهای اخیر اغلب با کاهش جمعیت همراه بوده‌اند؛ مقایسه ارقام جدول شماره ۱ گویای این واقعیت است.

جدول ۱: وضعیت جمعیتی برخی روستاهای سروآباد (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵)

نام روستا	جمعیت ۱۳۷۵		جمعیت ۱۳۸۵	
	خانوار	نفر	خانوار	نفر
اورامان تخت	۱۲۶۱	۵۰۱۳	۱۲۷۶	۴۹۴۸
بیساران	۱۲۶۶	۵۹۴۰	۱۲۷۶	۵۲۶۴
پایگلان	۱۶۶۰	۸۴۴۰	۱۶۸۰	۶۹۹۱
دزلی	۱۷۶۰	۹۳۷۷	۱۶۰۳	۷۲۷۶
رزاب	۱۵۸۲	۸۰۲۴	۱۷۴۷	۷۲۷۷
ژریزه	۱۴۶۵	۷۸۴۳	۱۲۴۳	۵۳۷۲
شالیار	۱۱۸۳	۵۹۹۳	۱۲۲۰	۵۵۷۴
کوسالان	۱۵۳۸	۸۳۱۶	۱۷۴۵	۷۷۱۵

ماخذ: نتایج سرشماریهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

همانگونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، جمعیت مطلق روستاهای مورد بررسی با کاهش و بعضاً کاهش چشمگیر همراه بوده است، هرچند همین داده‌های رسمی، به شرط صحت، نشان می‌دهند که بعد خانوار در برخی روستاها کوچکتر و در نتیجه، تعداد خانوار در بعضی روستاها افزایش یافته است. در واقع، چنانکه تحقیقات محمودی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، به سبب عدم سرمایه‌گذاری‌های اشتغالزا در ناحیه، از جمله در زمینه گردشگری روستایی، بسیاری از افراد و خانوارها در سالهای اخیر به امید یافتن کار و زندگی بهتر روستاهای خود را ترک و به شهرهای بزرگ کشور، بویژه تهران و شهرهای استان، مهاجرت کرده‌اند. این در حالی است که هدف مهاجرتها طی حدود ۱۰ سال اخیر، از شهرهای کشور به سوی شهرهای عراق، بویژه سلیمانیه و اربیل، تغییر یافته است. از جمله علل این تغییر هدف مهاجرت، در کنار سایر عوامل اثرگذار، کمبود نیروی کار ساختمانی و دستمزدهای بیشتر کارگری در شهرهای برون‌مرزی است. بدینسان، علیرغم وجود توانهای بالقوه گردشگری در ناحیه سروآباد که از لحاظ جلوه‌ها و جاذبه‌های محیطی، از جمله چشم‌اندازهای زیبا و بکر طبیعی، پوشش گیاهی و جنگلها، حیات وحش، چشمه‌ها، رودخانه‌ها و آبشارها، اگر از جواهرده بیشتر نباشد، کمتر نیست، با وضعیتی نابسامان از لحاظ گردشگری و محدودیت امکانات اشتغال برای ساکنان که ۹۳ درصد از آنان را

جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد، روبرو است. بدینسان، آشکار می‌گردد که برای ترغیب گردشگری روستایی، از جمله گردشگری محیطی (اکوتوریسم)، تنها وجود توانمندیهای طبیعی و چشم‌انداز زیبای محیطی کفای نیست، بلکه سرمایه‌گذاری‌های دولتی و تشویق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در ایجاد زیرساختهای لازم، از الزامات اولیه به‌شمار می‌روند.



تصویر ۱: آبشار سلور (وهزن) در ناحیه سروآباد

در مقابل، گردشگری روستایی بدون برنامه در مجموعه روستایی جواهرده با پیامدهای نامناسبی همراه بوده است. در بُعد کالبدی، مکانیابی و شکل‌گیری خانه‌های دوم با دست‌اندازی به عرصه‌های باغی همراه بوده است. بدینسان، چنانکه خدادادی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد، زمینه درهم‌ریختگی بافت و نیز تغییرات در ترکیب سطوح و نسبت فضاهای پُر و خالی فراهم آمده است. این در حالی است که تقلید از الگوهای شهری خانه‌سازی و بهره‌گیری از مصالح

ساختمانی غیربومی در ساخت خانه‌های دوم، چهره‌ای دوگانه به این مجموعه روستایی داده است (تصاویر ۲).



تصاویر ۲: مقایسه بناهای سنتی با بناهای جدید شهری در مجموعه روستایی جواهرده

جمع‌بندی

گردشگری از فعالیتهایی است که در ایجاد و نیز تحول عرصه‌های مکانی - فضایی نقش بارزی برعهده دارد. این تحول بویژه در چارچوب روابط تعاملی گردشگری - محیط به انجام می‌رسد. در واقع، روابط بین محیط و انواع گردشگری از مقولات بنیادین به شمار می‌رود و چنانکه ویلیامز (۱۹۹۸) اشاره دارد، بهره‌مندی از محیط و لذت بردن از آن، چه به‌لحاظ ساختار و کالبد آن و چه به‌لحاظ اجتماعی - فرهنگی، از دیرباز، نقش بارزی در بسترسازی برای جنبه‌های جغرافیایی گردشگری برعهده داشته است و در گذر زمان، با عنایت به سلاتق مختلف مردمان، انواع گردشگری مطرح شده و از این طریق، الگوهای فضایی جدیدی از کنش متقابل بین گروه‌های انسانی و محیط‌های متفاوت شکل گرفته است (Williams, 100-101). همو ادامه می‌دهد، البته تعامل گردشگری - محیط نه تنها از مقولات بنیادین، بلکه از مباحث بسیار پیچیده به شمار می‌رود، چنانکه معمولاً از ارتباط متقابل این دو به عنوان مقوله‌ای "سمبیوتیک"^۱ یاد می‌شود، یعنی از آنجا که گردشگری از استقرار در محیط‌های مناسب و با کیفیت بالا بهره می‌برد، این محیطها نیز بایستی از معیارها و ضوابط متناسب حفاظتی و پایداری برخوردار گردند (همانجا).

1. symbiotic

با این وجود، صرف وجود جاذبه‌های محیطی (مثلاً در مورد سروآباد) به فعالیت اثربخش گردشگری روستایی منجر نمی‌شود، همانگونه که گردشگری بدون برنامه (به عنوان نمونه، محدوده جواهرده)، به از میان رفتن ارزشهای محیطی و تبدیل محیطهای بکر روستایی به شهرهای کوچک بی‌هویت می‌انجامد. از همین رو است که بعضی، از جمله کریستوفر هولتس و استفن ادواردز (2003)، افزون بر کارکردها و ابعاد رایج گردشگری، برای آن نقش حفاظت از تنوع زیستی و محیط زیست نیز قایل هستند و بیان می‌دارند که انجام این وظیفه هم بر عهده دولت و هم نهادهای محلی و همه نهادها و افرادی است که از یکسو از فعالیت گردشگری به نحوی بهره می‌برند و از سوی دیگر، دغدغه حفاظت از ارزشهای محیطی را دارند.

بدینسان، شکل‌گیری و رونق گردشگری روستایی نه تنها به سلامت محیط و جاذبه‌های گوناگون طبیعی، بلکه به ساختهای لازم برای کارکردهای متناسب این فعالیت بستگی دارد. در حالی که ناحیه سروآباد با روستاهای پُر جاذبه خود و برخورداری از موقعیت ویژه مکانی - فضایی در مسیر ارتباطی شهرهای استان (پاوه - میوان و میوان - سندر) و همچنین نزدیکی به کشورهای همسایه (عراق و ترکیه) و همچنین برخورداری از توانمندیهای ذاتی، می‌تواند به قطبی برای انواع گردشگری روستایی تبدیل گردد، عدم وجود زیرساختهای ارتباطی لازم و ساختها و امکانات متناسب برای این فعالیت، مانع از بهره‌گیری از قابلیت‌های ناحیه در زمینه گردشگری و توسعه عمومی آن شده است. این در حالی است که رشد بی‌برنامه گردشگری روستایی در مجموعه روستایی جواهرده، نه تنها سیمایی نامتناسب به روستاهای مجموعه داده است، بلکه زمینه درهم‌ریختگی ارزشهای بومی را فراهم آورده است، تا جایی که می‌رود این مجموعه را به شکل سکونتگاهی نه‌شهر - نه‌روستا، بدون قابلیت‌های تولیدی، درآورد. هم‌اکنون، با گسترش واحدها و فعالیت‌های به‌اصطلاح خدماتی در این مجموعه، از جمله ۱۶ سوپرمارکت، ۸ واحد معاملات املاک، ۸ واحد کبابی و رستوران و ۵ واحد قصابی در جواهرده و سلمل، خبر از چشم‌اندازی متفاوت در آینده نزدیک می‌دهد.

آنچه باید مورد تأکید باشد، این نکته ساده است که هدف از گردشگری روستایی تبدیل فضای روستاها به فضاهای شبه‌شهری نیست، بلکه همانگونه که مجامع و نهادهای جهانی توسعه نیز توصیه می‌کنند، حفاظت از چشم‌اندازهای محیطی و ارزشهای اجتماعی - اقتصادی سکونتگاههای روستایی از نخستین الزامات رونق انواع گردشگری روستایی است.

منابع

۱. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و مهدوی، داود (۱۳۸۵)، راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT-دهستان لواسان کوچک، در: فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان؛
۲. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران (۱۳۸۸)، طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی جواهرده (شهرستان رامسر)؛
۳. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۶)، شهرگزینی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی شمال تهران، در: پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹، بهار؛
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، روستای محیطی، در: سعیدی، عباس (سرپرستار)، دانشنامه مدیریت شهر و روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور- مرکز دانشنامه بزرگ فارسی، تهران؛
۵. خدادادی، پروین (۱۳۹۰)، روند تحولات کالبدی- فضایی روستاهای بیلاقی مجموعه جواهرده (شهرستان رامسر) (۱۳۸۸-۱۳۵۵)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیای انسانی، استاد راهنما: دکتر عباس سعیدی، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ (پایان نامه تحصیلی)؛
۶. علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر و همکاران (۱۳۸۶): نگرش جامعه میزبان به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری در نواحی روستایی- بخش مرکزی نوشهر، در: فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار؛
۷. محمدی، محمد (۱۳۹۱)، قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه گردشگری محیطی در شهرستان سروآباد (استان کردستان)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیای انسانی، استاد راهنما: دکتر عباس سعیدی، سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ (پایان نامه تحصیلی)؛
۸. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵؛
9. Arlt, Wolfgang Georg (2006), *China's Outbound Tourism*, Rutledge, London-New York;
10. Curry, Nigel (1997), *Countryside Recreation, Access and Land Use Planning*, E & FN SPON, London;
11. Fennell, D.A. (2001), "A content analysis of ecotourism definitions", in: *Current Issues in Tourism*, 4(5), 403-421;
12. Fennell, David A. and Dowling, Ross K. (eds.) (2003), *Ecotourism Policy and Planning*, CABI Publishing, Cambridge;
13. George, E. W., Mair, H. and Reid, D. G. (2009), *Rural Tourism Development - Localism and Cultural Change*, Channel View Pub., Bristol-Toronto;
14. Gössling, Stefan and Hall, C. Michael (eds.) (2006), *Tourism and Global Environmental Change - Ecological, social, economic and political*

- interrelationships, Rutledge, London and New York;
15. Hall, C. Michael and Page, Stephen J. (2006), *The Geography of Tourism and Recreation - Environment, Place and Space*, third edition, Rutledge, London and New York;
16. Hall, Derek, Kirkpatrick, Irene and Morag, Mitchell (eds.) (2005), *Rural Tourism and Sustainable Business*, Channel View Pub., Clevedon-Toronto;
17. Holtz, Christopher and Edwards, Stephen (2003), "Linking Biodiversity and Sustainable Tourism Policy", in: Fennell, David A. and Dowling, Ross K. (2003), *Ecotourism Policy and Planning*, CABI Publishing, Cambridge;
18. Narain, Vishal (2009), "Growing city, shrinking hinterland: land acquisition, transition and conflict peri-urban Gurgaon, India", in: *Environment and Urbanization*, 21; 501-512;
19. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD) (1994), *Tourism Strategies and Rural Development*, Paris;
20. Ritchie, Brent W., Burns, Peter and Palmer, Catherine (eds.) (2005), *Tourism Research Methods - Integrating Theory with Practice*, CABI Publishing, London;
21. Williams, Stephen (1998), *Tourism Geography*, Rutledge, London and New York;
22. *ibid* (2009), *Tourism Geography - A new synthesis*, Rutledge, London and New York.

Archive of SID